

## جنگ اعصاب

خود آنها بارها بزبان و قلم آورده‌اند، روابط ما و روش ما دوستانه و متقابل بوده است.

مخصوصاً اگر باین نکته توجه شود که همسایه جنوبی ما هم عاقبت الامر مانند همسایه شمالی پستی از رضا شاه گله‌مند بوده است، آنوقت چگونه میتوان قبول کرد که پهلوی متکی به سیاست یکجانبه بوده و از طرف دیگر با دولت شوروی بطور خصمانه رفتار کرده باشد؟

### روابط آلمان و رضاشاه

نزد هر وطن پرستی این مطلب بغوی روشن است که هیچ یسکانه تا غرض و منافع نداشته باشد، دلباخته ایران و ایرانی نخواهد گردید و بادلسوزی و مهربانی بی‌جهت برای ما نخواهد کرد، پس وظیفه هر سیاستمدار و زمامدار وارد و باایمانی است که همیشه مقدم بر همه چیز منافع مبین خود را در نظر گرفته و باین دایه‌های مهربانتر از مادر(۱) بنظر هک و تردید و با احتیاط رفتار و معامله نماید.

رضاشاه بغوی حس کرده بود که آلمانها با اشتیاق بی‌حد و حصر مایلند که در میان ملت و دولت ایران نفوذ نموده و خود را دوست شفیقی جلوه دهند ضمناً منویات شوم خود را زیر لوای این نفوذ بسوردا اجرا گذارند. ولی رضاشاه با تدبیر و سیاست مقصود آنها را عقیم گذارده و برخلاف آنچه که دیگران ادعا میکنند کوچکترین نفوذی آلمانها با آنها کوشش رسمی و تبلیغات در شخص پهلوی پیدا نکردند.

پهلوی در ظاهر و باطن با آنها دوست بود ولی تا موقعیکه این دوستی بنفع ایران تمام میگردید و آلمانها خیال شیطنت نداشتند.

رضاشاه از تبلیغات نازیها در داخله کشور جلوگیری کرد، قدغن نمود که از ورود مطبوعات فارسی چاپ برلین جلوگیری نمایند و تنها مجله منسوب به نازیها، موسوم به «ایران باستان» که در تهران منتشر میگردید با روش هاقلانه‌ای توقیف نمود، اما هرگز طریقی پیش نگرفت که آلمانها را از خود برنجاند زیرا بنحیال خود تصمیم داشت که تا مقدور است از دوستی با آلمانها نتیجه گرفته و از صنایع آنها برای ایجاد کارخانجات در ایران بر خوردار گردد.

## قسمت چهارم

اتفاقاً نازیها چون از طریق مطبوعات و از راه معاشر ف با ایرانیان بنظور انتشار تبلیغات سوء محروم گردیدند در صدد بر آمدند که با ترویج کالای صنعتی خود روابطشان را با دولت ایران تحکیم نموده و بدینوسیله بادر دست گرفتن تجارت خارجی ایران در حکومت پهلوی و با توده ایرانی نفوذ نمایند.

شاه نیز با عقد پیمان « تهاتر » بین ایران و آلمان، کارخانجات زیادی وارد ایران نمود و آخرین کارخانه که نیسی از آنها از آلمان وارد گردید کارخانه خوب آهن بود که اهمیت آن برای کشور ما نزد هیچکس پوشیده نیس.

پهلوی بی اندازه مواظب و مایل بود که در معاملات با بیگانگان هر وقت ضروری متوجه ایران نگردد، بهمین دلیل در یک معامله صدور گندم که باعث قحطی چند ماهه در استان خراسان گردید، وزیر مالیه وقت « داور » و با وجودیکه در حشرش عزیز بود مورد غضب و بی مهربی سخت قرار داد و عاقبت هم این وزیر از ترس خود کشتی نمود!

پهلوی اعمال و رفتار مهندسين و خبرگان آلمانی را همیشه در نظر داشت و پیوسته دستورات مخفیانه و جدی صادر می نمود که دستگاه شهری و مواظب این عده معدود آلمانی بوده باشد و مخصوصاً پس از شروع جنگ جهانی دوم بر شدت این مراقبت افزوده گردید.

خلاصه نتیجه رفتار رضا شاه با دولت آلمان این بود که نازیها اورادوست صمیمی خود تصور نموده (۱) و گمان کردند که بقدر کافی در دولت ایران رسوخ کرده اند! و فقط پهلوی منتظر يك فرصتی است که بر علیه انگلیس و روس نماید !!

اما همانطوریکه مشاهده شد، تا سوم شهریور و سپس در تمام مدت جنگ اثری از آرزوها و انتظارات نازیها، نه از شخص پهلوی و نه از ملت ایران ظاهر نگردید.

آلمانها چه اندازه پشیمان شدند که بچه دلیل با این توتیب سالبان دراز مجنوب رضا شاه شده اند؟ وهم چنین ماحوذ بعیا گردیده و در ایران نوده اند !!

براستی اگر این نوع سیاست مدبرانه از طرف رضا شاه بازی نشده بود و آلمانها فریب نمیخوردند، برای آنها آسان بود که هم منابع انگلیس را در جنوب و بران نمایند وهم فتنه و آشویی بر ضرر ما و همسایگان ما بر پا کنند.

## جنگ اعصاب

بطوریکه بعداً دیده شد، بر اثر همین سیاست، حتی برخلاف معدودی از افراد مشکوک انگلیس و آمریکا که مطمئناً بر ضرر کشور خود از روی تظہی جاسوسی آلمان را بر عهده داشتند، در کشور مایکنفر هم برای نمونه پیدا نشد که روابطی با آلمانها بدین منظور برقرار نموده باشد و بکمک آنها ریانی به مملکت خود برساند.

از کلیه کسانی که متفقین آنانرا بجرم همکاری بانازیها بازداشت نمودند اقلایک مدرک کوچکی هم بر صحت این ادعا بدست نیامد و بالاخره فرد فرد آنها بعزت بی اساس بودن این نسبت موهوم بتدریج آزاد گردیدند.

پس بانوجه به این حقایق شایسته است که متفقین ما از رضاشاه بسی ممنون بوده باشند که تا این حدود رفتار خود و ملت ایران باینگانگان دقیق و تیزبین بوده است! رضا شاه هیچگاه تحت تاثیر تبلیغات دوغ هیتلر و مریدانش قرار نگرفت و برعکس باید اذعان کرد که آلمانیهای مقیم ایران زیر نفوذ سیاست پهلوی تحلیل رفته و در حال امید منتظر قیام دولت ایران بر علیه روس و انگلیس بودند! هنگامیکه سوم شهریور فرا رسید، دفعتاً اثر تبلیغات آلمانها آشکار شد. یعنی نازیها بی بردند که چگونه شاه ایران آنها را در حال امید بی اساس نگاه داشته بود و با چه زرنگی بی سابقه از اقدامات و اعمال سوء آنها جلوگیری نموده است.

برای تسکین همین دردهای بی دومان بود که در روزهای پس از سوم شهریور رادیوی برلن شروع به هتاکی و فحاشی بر علیه رضا شاه نمود، و تعجب اینجا است که در همین ایام روسها و انگلیسها نیز هر یک از بدگویی در اطراف آن قهید کوتاهی نکردند.

ملت ایران از بعد از زمان جنگ بین المللی اول مانند اغلب کشورهای دنیا بعزت فشار اقتصادی، ناامنی و بحرانهای پدید آمده در پی دچار حکومت دیکتاتوری گردیده بود، و دیکتاتور ایران تا موقعیکه غریزه خودخواهی در این اواخر در وجود او حکمفرما نشده بود، اصلاحات زیادی بعمل آورد و همین خط آهن و امنیت ایران که پیروزی متفقین مرهون آنست نتیجه اقدامات خوب این مرد تاریخی میباشد.

پس اخلاقاً شایسته نبود که متفقین با دشمن خود آلمان همصدا شوند و در بدگویی به پهلوی با آلمانها هم آواز گردند، و ما این موضوع را انشاء

## قسمت چهارم

سند کرده و بزرگترین دلیل میهن پرستی او میدانیم ، یعنی این افتخار برای پهلوی باقی است که هرگز زیر بار منویات هوم بیگانه نرفته است و آنها بعزت نارضایتیهای خصوصی که داشته اند ، انعکاس آنرا از طریق بدگونی آشکار و ظالم ساخته اند !!

### خطر آشکار و آثار هجوم!

بیست و پنجم مرداد ۱۳۲۰ فرا میرسد و مجدداً یعنی برای دهم دوم پس از ۲۸ روز دولتین روس و انگلیس یادداشت دیگری بوسیله سفرای خود راجع به ستون پنجم در ایران و اخراج آلمانها از این کشور تسلیم وزارت خارجه می نمایند و وزیر خارجه وقت آقای «هامری» بلافاصله از دربار تقاضای هرفبایی نمود و عازم سمد آباد میگردد .

شاه با قافله آرامولی کاملاجدی از «هامری» سوال میکند: «چه خبر است؟ چه میگوئی؟» هامری یادداشت نوین دولتین را ارائه میدهد ، پس از چند لحظه سکوت، شاه خطاب به هامری بوده اینطور بیان میکند :

معلوم میشود جواب اولی ما را قبول ندارند !! و..... در اینصورت اینها خیالاتی برای مادر سردارند ، آیا تو از آن مطلع نیستی! نیتانی مقصود باطنی آنها چیست؟

وزیر نامرده تعظیمی نموده جواب میدهد: «قریان من کاملاً و بطور دقیق نمیتوانم خیال اصلی این دو دولت را دریابم !! ولی همیشه در حدس زده میشود که اینها از ما راه میخواهند ، راه برای حمل اسلحه بروسیه .»

— درست است ولی چرا صراحتاً با ما نمیگویند !!

— قربان اطلاعی ندارم .

— بسیار خوب حالا چه فکر میکنی ؟ آیا خطری برای مملکت حس میکنی؟

ما که از این پس حتم داریم وقایع بدی اتفاق خواهد افتاد ، باید خیلی مواظب بود .

— قربان ، نظر من ارنک کاملاً صائب است زیرا علام و آثار هم اینطور گواهی میدهد ،

اما قربان حالا جواب راجه بنویسم ؟

## جنگ اعصاب

— چه گفتی؟ چه بنویسی؟ همانطوریکه دهه اول پاسخ دادیم و گفتم جواب نده، مخصوصاً مراتب بیطرفی کامل ایران را که تا کنون از طرف ما بقوی حفظ شده است گوشزد کن، ضمناً بهر دو دولت یادآور شوید که هیچ بیگانه در خاک ما قدرت اقدام به عداوت سومی نداشته و ندارد و مانیز دستور خواهیم داد که این عده آلمانی را بیشتر از سابق مراقب و مواظب باشند، ضمناً آنها را مطمئن بنما که خطری نه برای مسابگان و نه برای استقلال ایران از جانب این عده آلمانی متیم کشور ما که آنها میگویند، نبوده و نیست.

شاه باقیاء گرمه ای اضافه میکند که: «الان گفتمی آنها را میجوایم، این نظر ما اوضاع و احوال جنگ روسیه کاملاً مطابقت دارد ولی ما متعجبیم که بعد دلیل در یاد داشتهای خود اصلاً اشاره بدین مسئله نکرده اند؟»  
بهر حال جواب را حاضر کن، امشب خودم در هیئت خواهم آمد، نه نیست وزیر هم بگو، همسندی.

عامری تعظیمی کرده و مرحس میشود.

رضاشاه در عالم فکر و بلکه طوفان شدید فکر برورمه و هم خود و هم دهن خود را عملاً در خطری سابقه ای عوطور می بیند. عجب اتفاتی افتاده است، برای اولین دهه در تاریخ دور قیام خدا متع گردیده اند، آهم دو کشوریکه اکنون رقابتشان ایران را حفظ نموده است، ولی هاقبت دشمن آنها چه خواهد شد، اگر آلمان فاتح گردن آ بودت تکلیف میهن ما چیست.

اسلحه، قدر کافی خوشبختانه موجود است، ایرانی هم شجاع و دایرو از حان گذشته است، پس باید برای حفظ شرافت و حییت کشور از هر گونه حمله دفاع کرد حواء از تکطرف حواء از چند سو این حمله صورت پذیرد!! حواء بایک دشمن سر و سرور و سرور حویم، حواء با چند دشمن، مطالب فوق افکار، بود که آنها پس از رفتن و در سر خارجه در ممر شاه خطور کرده و از آن نتیجه گرفته بود.

مورا وزیر جنگ، رئیس ستاد آرش، بعد از آن وزیر کشور و فرمانده دانشکده امسری بترتیب احضار و دستورات کمی بهر یک از آنها داده میشود، بالاخره تا عروب آفتاب ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ هر یک از وزراء و روسا، دوانی شرفیاب گردیده و با هر یک خدا گاه بدون اینکه آثار وحشتی در قیام شاه ظاهر گردد و از

## قسمت چهارم

وجود چنین خطری صحبتی بیجان آید مذاکره و برای احتیاط او امر لازمه را صادر می‌نماید.

تنها با وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش موضوع را در میان نهاده و در مورد تقسیم اسلحه و مهمات و خوار و بار به وزیر جنگ و در قسمت تقسیم و تقویت قوای لشکری در نقاط سوق الجیشی شمال و جنوب و باختر بر رئیس ستاد ارتش دستوراتی میدهد که بلادرنگ به‌وجود اجرا کنند!!

مناسفانه شاه خیلی دیر از قضایا مطلع شده بود، گرچه از گوشه و کنار جسته گریخته اطلاعاتی از قبیل تمرکز نیروی انگلیس در بصره و سرحدات عراق و ایران کسب کرده بود، لیکن هرگز گمان نمیکرد که باین طریق و باین شدت بدولت ایران فشار آورده و با اصطلاح او را غافلگیر نمایند!!

شاه در ساعت مقرر اوائل شب در هیئت دولت حاضر شده و بندها کرده و مشاوره می‌پردازد ولی از دستورات روزانه خود ذکری نمیکند تا مطالب تکرار نشود، در ضمن خطاب بنخست وزیر اظهار میدارد:

«اگر این آقایان راه می‌خواهند چرا از ضریق مذاکره موضوع را با ما در میان میکنند»  
«و به علاوه آیا میدانند که ما برای این راه آهن و راه‌های دیگر  
«خیلی خرج کرده‌ایم و زحمت کشیده‌ایم؟ و در این صورت آیا  
«حاضرند در صورت استفاده از آنها پول آنرا بدهند؟ و زحمات  
«ملت ایران را جبران نمایند؟»

نخست وزیر جواب میدهد:

— فرمان چه عرس کنم! ولی اگر اعلیحضرت همایونی اجازه بفرمایند بضریق شفاهی در این باب با آنها مذاکره شود.

... بانمی ندارد خوب است «عامری» صحبت کند و نتیجه را گزارش دهد، ولی جواب یادداشت صبح آنها هم فراموش نشود، همانطوری که صبح دستور دادیم بنویسید.

مذاکرات تا اینجا خاتمه یافته و عامری هم از فرار معلوم با سفیر کبیر انگلیس راجع به سؤال شاه مذاکره مینماید، منتهی دولتین روس و انگلیس دو پاسخ آن سکوت اختیار میکنند!!

## جنگ الحصاب

با وجودیکه در حقیقت شاه بدینوسیله بآنها رسانیده بود که  
اگر راه میخواستید مابقی در بین نیست ولی باز هم دولت متفق به  
همان دلیلی که ماسبقا بذکر آن پرداختیم نخواستند و مایل نبودند  
که با دولت پهلوی اول روی موافقتی نشان بدهند!

ضمناً از جریان فوق بعمومی ثابت می‌گردد که داستان پول خواستن رضاشاه  
از متفقین بکلی مبهم و دور از حقیقت است و اگر در جلسه هیئت وزراء جمله «آیا  
حاضرند پول آنرا بدهند؟» را بزبان آورده است مقصود تامین منافع دولت و ملت  
ایران در برابر استفاده از طرق کشور ما میباشد و نظر شخصی نداشته است.

بخش اول - قسمت پنجم

## ایران در حال دفاع

لحظه‌ای که شاه اعلام خطر می‌کند و ملت بیدار میشود !!!

با وجودی که رضاشاه در سالهای آخر سلطنتش مردم را مرعوب خود ساخته بود و با وجودی که تسلط و سانسور هدید شهربانی ملت را از شاه و شاه را از ملت بی‌خبر و جدا می‌ساخت با اینحال ایرانیان خود را مدیون رضاشاه دانسته و بدو با نظر احترام و تجلیل می‌نگریستند.

بر ملت ایران پوشیده نیست که پهلوی از بعضی فشارهای بی‌موردی که بر مردم وارد می‌آمد بهیچوجه آگاه نبوده است و همانطوری که همه می‌دانیم مرتکبین این خطای بزرگ کسانی بوده‌اند که تماس نزدیک با شاه داشته و از شهامت و صراحت و همچنین رحم و مروت نیز بی‌بهره بوده‌اند !!!

البته کلیه نگرانی‌هایی که مردم در آن اواخر داشتند و منایق آنرا هم تحمل کردند، دوبرابر اقدامات اساسی و اصلاحات اجتماعی این مرد تاریخی در میهن خود قابل چشم‌پوشی است.

عملیات برجسته پهلوی با مقایسه وضع ناهنجار و تنگین پیش از کودتای ۱۲۹۹ معجزه آسا و شگفت‌انگیز است. در ظرف مدت ده دوازده سال ما موفق شدیم که به رپرستی پهلوی اول بی‌مهر و بران خود سر و صورتی داده و هزاران مصائب و مشکلات را با سرعت زیادی بدست خود مرتقم و بر طرف سازیم. معضلات جامعه آشفته ایران در ابتهای سلطنت پهلوی منحصر بامور گسیخته و اوضاع هرج و مرج داخله کشور نبود بلکه با مصیبت بزرگ دیگر یعنی نفوذ شوم بیگانه توأم میگردد.

تقدیر و مساعدت محیط سیاسی دنیا پس از جنگ بین‌المللی اول اینطور اقتضا کرد که پهلوی ناخداای ایران گردد و با پشتکار و تدبیر بر مشکلات فراوان



## ایران در حال دفاع

فائق آید و در ضمن اقدام با اصلاحات بی‌همار، استقلال کامل ایران را با قطع ایادی بیگانه حفظ و حراست نماید.

بدین طریق بتدریج موجبات اصلی پیدایش حکومت دیکتاتوری اقبیل: نامنی برانهای اقتصادی - ضعف دولت و آرتش - ملوک الطوائفی - فقر عمومی و غیره از بین رفت و وقت آن رسیده بود و بلکه صلاح کشور و رضاشاه در آن بود که موقع را غنیمت شمرده و از غریزه فطری ملت ایران استفاده شایان کرده، یعنی مردم را آزاد بگذارد که از آن پس اصول کامل دموکراسی را پیروی نموده و امور اجتماعی خود را با آن تطبیق و تقویت نمایند.

افسوس!! که نه پهلوی متوجه این امر خطیر گردید و نه مفرضین نزدیک باو مایل باشاه اصول دموکراسی گردیدند!!! و بعلاوه تبلیغات و اثرات حکومت نازی در آلمان و فاشیست در ایتالیا و کمونیست در روسیه و دیکتاتوری اتاتورک در ترکیه پهلوی را تحریک بادامه و نگهداری آن توضیح میکرد!

بهر حال پهلوی در سال های آخر نیز بسلیقه خود، عمران و آبادی کشور را تعقیب نمود و مخصوصاً در ترویج امور صنعتی و ایجاد کارخانجات علاقه خاصی نشان میداد، ولی پس از شروع جنگ جهانی کبیر اخیر بیشتر هم و وقت رضا شاه صرف تعحکم موفقیات ایران در برابر سیاستهای متضاد خارجی و حفظ بیطرفی کامل این کشور گردید.

هیچگاه پیشرفت سریع آلمانها با آن همه تبلیغات پر شورشان، آنطوریکه نازیها امید داشتند در شخص پهلوی اثری نکرد بلکه آن بآن دقت و مراقبت وی در رفتار و کردار بیگانگان مقیم این کشور بیشتر میگردد، و تصمیم قطعی داشت تا جایی که مقدور است توانائی خویش را در حفظ بیطرفی ایران بدنیای ثابت و مدلل سازد.

خوشبختانه تا سوم شهریور ۱۳۲۰ که پهلوی زمام امور را در دست داشت هیچیک از دول جنگجو نتوانستند ابرادی از نظر « انحراف از جاده بیطرفی - بدولت ایران وارد آورند، راجع بقضیه اتباع آلمان هم که اقوی دلیل (!) هجوم و اشغال متفقین و اشغال ایران بشمار میرف جز بهانه صرف چیز دیگری نبود و خوانندگان گرامی قطعا شرح مفصل آنرا در قسمت مبارزه با ستون پنجم در ایران ملاحظه فرموده اند.

ایرانیان از یکطرف خوشوقت بودند که باوجود جنگ جهانی کبیر در خارج

## قسمت پنجم

با زمامداری پهلوی سطح زندگی‌شان بهیچوجه تغییری نکرده و از حیث آذوقه و پوشاک در مضیقه نیستند، و از طرف دیگر بسی خرسند و عاهد بودند که با اتخاذ یک سیاست عاقلانه از جانب رضا شاه، بی طرفی کامل ایران بتمام معنی حفظ گردیده و کشور ما را از میدان جنگ و سیاست دور نگاهداشته است.

مشاهده این مزایا بجندی مردم را نسبت بر شاهشاه معتقد کرده بود که همگی ایمان داشتند (!) که اگر اتفاقات ناگوار و یا حوادث فوق العاده برای ایران پیش آید، شخص شاه مسلماً با سیاست و درایت بجنگ با آنها پراخته و قضایا را دوستانه برفع ایران حل خواهد نمود. اتکاء بمقام سلطنت؛ باعث گردید که مردم از هر طبقه خویشتن را آسوده و از خطر دور پندارند و بزمومه‌های مخالف و شومی که کم و بیش از زبان رجال و روزنامه‌های بیگانه انتشار میافت اعتنائی نکنند (!).

رضا شاه نیز بنوبه خود پس از دوک خطر یعنی بعد از تاریخ ۲۵ مردادماه ۱۳۲۰ سعی خود را دو چندان کرد که بیطرفی ایران را حتی الامکان حفظ نموده و یا از طریق تسویه مسالمت آمیز با متفقین کنار آید، ولی چه سود که موضوع باندازه‌ای مهم و حیاتی بود که دو رقیب دیرین متفق گردیده (!) و سرنوشت دولت پهلوی اول را قبلاً تعیین کرده بودند (!) این بود که حاضر هم نشدند روی مساعد نشان داده و راجع با استفاده راه ایران با رضا شاه مذاکره و یا معاهده برقرار سازند !!

شاه ایران پس از یاس کامل و اطمینان قطعی بوقوع پیش آمده‌های سوء و ناگوار خود را مهیا مینماید که بمنظور حفظ حیثیت و آبرو و شرافت ایران و ایرانی در مقابل هر حمله ناگهانی و در هر نقطه از سرحد ایران؛ هدیداً بدفاع پردازد!

دستورات پی در پی معظم له به وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش وقت ( که بد بختانه این دو زمامدار مسئول در عوض همکاری صمیمانه در آن موقع حساس و دشوار دشمن خونین یکدیگر بوده‌اند !! ) نشانه باور این تصمیم بجوار مهم میباشد.

بنابر این شاه لازم می بیند که ملت بیخبر ایران را نیز از خطر نزدیک آگاه ساخته و آن‌ها را برای دفاع از میهن تحریک و آماده نماید.

در این میانه با وجود شعله ور بودن جنگ جهنگلی، سکنه این سرزمین با

## ایران در حال دفاع

آرامش و سکوت و با نیت صلح جوئی و عشق بوطن زندگی عادی خویش را ادامه میدادند، هیچکس از هیچ طبقه نسبت بآینده مظنون و معشوش نبود<sup>۱۱</sup> و فقط اعتماد به حسن تدبیر و لیاقت شاه خاطر عموم را آسوده و از خطر مصون میداشت<sup>۱۲</sup>

این حالت چندان دوامی پیدا نکرد زیرا با فرا رسیدن ساعت چهار بعد از ظهر روز ۲۸ مرداد ۱۳۲۰ شاه بزبان خود خطر را اعلام و توجه مردم را بوقوعیت باریک و حساس و لزوم ایجاد یک حالت دفاعی جلب میکند.  
پهلوی بر خلاف سازهای گذشته دستور میدهد که جشن پایان سال تحصیلی دانشکده افسری و احتیاط و دانشگاه جنگ را یکماه و چند روز قبل از مهر ماه برگزار نمایند و برای این امر روز ۲۸ مرداد تعیین و ابلاغ میشود.

نخست وزیر و سایر اعضاء هیئت دولت و رجال و سران لشکر در انتظار موكب اعلی حضرت در محوطه اقدسیه صف میکشند، ضمن اینکه هر يك یازدید سرو وضع خویش میردازد با نفر پهلوانی فن خود نیز باهستگی بصحبت و گفتگو مشغول میشود، يك شخص نا آشنا تصور میکرد که این آقایان لابد از حوادث و اخبار مهمی آگاه بوده و بضریق در گوئی، یکدیگر را مطلع میسازند، در صورتیکه فقط عامل اصلی پیدایش این وضع فقط مربوط به رعب خبر حرکت اعلی حضرت همایونی از قصر سعد آباد و احترام بآن فقید الفاصله دور بوده است (۱)

بجز نخست وزیر و وزیر خارجه که تا اندازه ای از قضایا مطلع بودند بقیه بطور عموم خاه و جز انتظار شاه و فرمان شاه و کلام شاه و پایان جشن و بازدید شاه بدون ایراد و پرخاش فکر دیگری در مغز آنها خطور نمیکرد<sup>۱۳</sup>؛  
بالاخره پهلوی با همان وقار مخصوص بخود وارد میشود و دستور میدهد «مراسم معمولی هر ساله را مختصر کنند» پس از چند کلمه صحبت با نخست وزیر و استماع گزارش فرمانده دانشکده افسری در مقابل صف دانشجویان و صبح ۱۰۷۴ نفر افسران فارغ التحصیل دانشکده و ۴۲ نفر افسران فارغ التحصیل دانشگاه جنگ اینطور بیان میکند:

«در این موقع بشما دانشجویان دانشکده افسری که تحصیلات خودتان را در دانشکده تمام کرده و امروز باخذ گواهینامه یا «بهارت دیگر فرمان افسری نائل میشوید میگویم:

## قسمت پنجم

« امیدوارم در آینده بواسطه حسن خدمت و انجام وظیفه  
« بدرجات بالاتر و بمقام عالیرتبه نائل شوید.»  
« هاید بعضی ها پیش خودشان تصور کنند که امسال از  
« یکماه مرخصی معمولی داشکده محروم شده‌اند ولی البته بعد  
« که علل و جهت آنرا فهمیدند تصور میکنم حسن فداکاری آنان  
« تحریک هوده»

« بیش از این لازم نیست توجه شما را بوظایف عمومی و  
« موقعیت منحصر امروز جلب کنم - همیشه در میگویم: لازم  
« است آرتش و افسران آرتش با کمال توجه بجزایران اوضاع  
« علاقمند باشند و در موقع لزوم از هرچگونه فداکاری و  
« جانبازی خودداری ننمایند.»

بیانات شاه مانند صاعقه سرعت برق در تهران و تمام نقاط ایران انتشار  
یافت و در نتیجه يك هیجان می سابقه و بی نظیری در مردم تولید کرده ملت ایران  
بعنور ناکهانی و بدینوسیله خطر بزرگ و نزدیکی را دور میکند، اما از کجا و  
واژه ست و بجه طریق؟ معلوم نیست، اغلب و بلکه اکثریت از حمله پلشویکها  
بیشتر اضطراب و نگرانی داشتند.

اهالی این کشور بخوبی میدانستند که تا یک حادثه ناگوار و فوق العاده ای  
برای مملکت در پیش نباشد هرگز شاه حاضر نمیکردید که بدین طرز سخف  
بگوید.

دیگر کسی ب فکر آسایش و راحت خود نبود و حتی در اثر خبر باین مهمی  
کوچکترین اثری هم در بازار ایران و افزایش سطح قیمتها نکرد!! عامه مردم  
بدون استثناء با حساسات پرشوری حاضر بودند (همچنان که برای همیشه هستند)  
که با کرسنگی و تشنگی سینه خود را سر کرده و برای نجات میهن از شر دشمن  
با افتخار تمام جان دهند.

نگارنده خود يك افسر احتیاط هستم و هرگز آن حرارت و احساسات غیر قابل  
تصوری که در نتیجه آن خبر و آنوضع من دست داده بود فراموش نمیکنم و  
چون بدوستان و دیگران نیز نظر میکردم همه را هم آهنگ با خود میدیدم.  
این بود نمونه ای از عکس العمل، نطق یا اعلام خطر پهلوی بملت ایران و  
نیت و فکر ایرانی در آن هنگام.

## ایران در حال دفاع

### بامداد سوم شهریور ماه ۱۳۲۰

صلاح در اینست که از ذکر وقایع حقیقی شب سوم شهریور صرف نظر کنیم، تا متفقین بآنچه که از طرف ستون پنجم آنها در همان شب بنظر حاضر کردن زمینه هجوم بر سر ما آمده است با اطلاع نگردند!!! و این را دلیل بر حسن نیت کامل ایرانیان بدانند که حاضرند در صورت حیران آن از طرف همسایگان همان لکه نامساعدیکه دیگران در تاریخ ایران برای خود جای گذاشته اند با گذشت تمام معو و زایل سازند.

فقط با تکیه و پیروی از نطق پادشاه انگلستان در تاریخ هفتم فروردین ۱۳۲۱ که میگوید:

..... بایر بیاد داشته باشیم که اگر رنج و مصیبت باعث تحریک نیروی اراده و برانگیختن افراد یا ملل برای نبل بدرجات عالیتر باشد باید از آن خوشوقت بود .....  
ما نیز بنوبه خود برای بیدار کردن هم میهنان گرامی بشرح این چند سطر مبادوت میورزیم تا عبرت نسل حاضر و آینده ایرانی گردد و همیشه چه در صلح و چه در جنگ مراقب حال خود باشند که دشمن هیچوقت فرصت و قدرتی برای گزند ما پیدا نکند.

۱ برای ما ایرانیان بسیار جای عبرت است که با وضع نامطلوبی خود را « خفته و خام بیار آوریم، بسیار مایه سرشکستگی و خواری است که کسانی خود را « منسوب مستقیم نسل سیروس و داریوش بدانند ولی در مقابل، شایه با خیال راحت بخسبند!! و دشمن عیار که در کمیگاه با عشق فراوان بیداری میکشد « فرصت نیکی برای هجوم و کشت و کشتار بدست وی بدهد!!

« باید ایرانیان نیز بدانند، همیشه و در هر موقع نمیتوان و جایز نیست که « بایبگانه هم بیاله گردید و قبول کردن هر دعوتی از طرف هر نا آشنا بمنزله خود « کشی و خاه بر باد دادن است!!...»

بالاخره شب سوم شهریور سپری میشود و بیک بامداد تیره و تاری را برای ملت ایران بجای میگذارد، یعنی در ساعت چهار بامداد همانشب در حین اینکه ساینندگان دولتین شوروی و انگلیس در تهران هر یک یادداشتی تسلیم نخست وزیر

## قسمت پنجم

ایران مینماید ضمنا نیروی موتوریزه و مکانیزه آنها بسرحداث و سواحل خاک  
ما حمله ور گردیده و آرتش مدافع و صلحجوی ایران را بایک طرز یسابقه و ناروایی  
غامگر میکنند.

### مفاد یادداشت دولت شوروی (مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۱):

« پس از تکرار اقدامات مشترك دولتين اتحاد جماهیر شوروی و امپراطوری  
بریتانیای کبیر در ۱۸ ژوئیه و شانزدهم اوت راجع جلوگیری از فعالیت خطرناک  
عمال آلمانی و اخراج آذن از کشور، جای بسی تاسف است که دولت ایران برای  
جلوگیری از این فعالیت هیچ اقدامی ننموده و در نتیجه آن، عمال آلمانی  
بفعالیت جنایت آمیز خویش همچنان ادامه داده اند و بنابراین دولت اتحاد  
جماهیر شوروی ناگزیر گردید که بمنظور حفظ امنیت خاک خود بایران نیرو  
گسیل دارد! »

« بدیهی است که این اقدام بر علیه استقلال ایران صورت نگرفته، بلکه  
منظور آن جلوگیری از فعالیت آلمان ها است که امنیت شوروی را بمخاطره  
انداخته است! »

### مفاد یادداشت دولت انگلیس (مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۱):

« با وجود اقدامات مشترك دولت امپراطوری بریتانیا و دولت شوروی در  
تاریخ ۱۸ ژوئیه و شانزدهم اوت راجع جلوگیری از فعالیت خطرناک عمال  
آلمانی و اخراج آنان از کشور، جای بسی تاسف است که دولت ایران برای  
جلوگیری از این فعالیت هیچ اقدامی ننموده و در نتیجه عمال آلمانی بر علیه منافع  
ما و استقلال کشور، همچنان بفعالیت خود ادامه داده اند، بنابراین دولت امپراتوری  
بریتانیای کبیر بمنظور دفاع از منافع خود و دوستان خویش اقدامات مقتضی  
مبدول داشته است که با خطر فوق در ایران مواجه کند! و بهمین جهت برای  
انجام این منظور بطور موقت وارد ایران گردیده و بعضی اینک اوضاع جنگ اجازه  
دهد این نیرو خاک ایران را ترک خواهد گفت. »

در این یادداشت نیز قید شده است که: « گسیل داشتن نیرو بایران بر  
علیه استقلال ایران صورت نگرفته است. »

مسئله تکرار مطلب نسبت بجواب این دو یادداشت زائد میباشد، زیرا قبلا  
در فصل « مبارزه با ستون پنجم در ایران » خلاف ادعای دولتين همسایه ما  
راجع بانواع آلمان مقیم این کشور بخوبی تشریح و ثابت گردیده است، ولی

## ایران در حال دفاع

فقط باید یاد آور شویم که بعد برای تمام دنیا این مسئله کاملاً روشن شد که متفقین برای ضرورتی که از لحاظ استفاده از راه ایران برای ارسال مهمات و خواروبار روسیه داشتند، اجباراً بخاک ما هجوم آوردند و موضوع خطر عمال آلمانی جز «بهبانۀ مطلق» برای حمله و رشدن بایران چیز دیگری نبوده است.

از طرف دیگر در همان روز سوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) مولوتف کمیسر امور خارجه روسیه یادداشتی از طرف دولت شوروی بسفیرکبیر ایران در مسکو تسلیم مینماید و در آن علل تصمیم دولت شوروی را بفرستادن نیرو بایران توضیح میدهد.

در این یادداشت خاطر نشان شده است که: این تصمیم جنبه تجاوز آمیز ندارد (!) و همین که خطری که متوجه کشور شوروی است مرتفع گردد نیروی شوروی از خاک ایران خارج خواهد شده از طرف دیگر این یادداشت اشعار میدارد که: از هنگامیکه مرام اشتراکی در روسیه روی کار آمده دولت شوروی استقلال و تمامیت مطلق دولت ایران را برسمیت شناخت، بموجب قرار داد های چهارم فوریه ۱۹۱۸ و بیست و هشتم ژوئیه ۱۹۱۹ کلیه حقوقیکه روسیه تزاری نسبت بایران داشت ملغی گردیده تمامیت کامل ایران برسمیت شناخته شد. دولت شوروی کلیه بنگاه های عمومی روسی را بایران واگذاشت و باین دولت قرار دادهای بازرگانی که روابط دو کشور را بیش از پیش تقویت میکرد منعقد ساخت. اخیراً نیز دولت شوروی بدولت ایران اطلاع داد که حاضر است کلیه مواد صنعتی لازم این کشور را در دسترس وی بگذارد. باوجود این دولت شوروی از تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۴۱ همواره بیم آن داشت که روزی سرزمین ایران مبداء حمله بر علیه شوروی؟! قرار گیرد در پیدائی که در آن هنگام بین این دو کشور منعقد گردیده باشد بود که اگر دولت ثالث قصد اشغال ایران را داشته باشد یا اینکه دولت کشور ایران نتواند در مقابل چنین قصدی از استقلال خود دفاع کند، دولت شوروی حق خواهد داشت نیروی خود را وارد خاک ایران نماید و در عین حال تعهد میکند که بلافاصله پس از رفع خطر این نیرو را باز خواند !!

اخیراً مخصوصاً از هنگام آغاز حمله آلمان بر شوروی فعالیت عمال آلمانی در ایران امنیت دولت شوروی را از این جانب بخطر انداخته بود زیرا آلمانها در

## قسمت پنجم

امور ایران نفوذ کامل یافته و این نفوذ را بر علیه منافع دولت شوروی بکار میبردند .

سپس یادداشت دولت شوروی عمال مهم آلمانی و ینگامهای بازرگانی و صنعتی آلمان را که در ایران مشغول کار بودند نامبرده و تذکر میدهد که عموم آنها بر علیه دولت شوروی ابراز فعالیت میکنند . چون خطر فعالیت عمال آلمانی کم نشده و دولت ایران نیز اقدامات لازم برای جلوگیری از آنها اتخاذ نکرده است دولت شوروی ناگزیر شده است نیروی خود را وارد خاک ایران سازد!!!

مخصوصاً غافلگیر کردن نیروی دریائی ایران و بمباران کشتیهای جنگی ایران در بندر شامپوریک وضع نامطلوبی را برای ارتش ایران ایجاد نمود، بطوریکه شرح فداکاری افسران و کارکنان نیروی دریائی کشور ما را باید در مقابل آن حمله ناپسند و ریا آمیز دشمن جزء داستان های تاریخی محسوب داشت .

از اینجا باید تفاوت فاحش بین متن یادداشت متفقین و عمل آنها را بحوسی درک کرد، آنها یعنی دولتین آزادیخواه انگلیس و شوروی برای مقابله با عمال آلمانی وارد ایران شده بودند و در اینصورت سؤال ما اینست که: هجوم و حمله به ایران و نیروی دریائی ایران، با بمباران شهر های آزاد و بلاد دفاع کشور ما چه ربطی با عمال آلمانی داشته است؟! طرف، بگفته آنها اتباع آلمانی بود و ایرانی که با کسی طرف و دشمن و مهاجم نبوده است!! نخست وزیر فوراً پس از وصول یادداشتها نزد شاه باریافته و جریان تسلیم یادداشتهای فوق و کلیه اطلاعات واصله از حمله با ایران را بعرض میرساند .

شاه با خونسردی آن تغییر حالت و تعبیر و شکفتی که در او تولید گردیده بود مخفی مینماید و از نخست وزیر سؤال میکند که :

« تکلیف کشور و ما چیست؟ بقیده ما فوراً باید برای حفظ حیثیت و حر ایت ایران و ارتش ایران تاجائی که قدرت در بدن هست دفاع نمائیم و ما دستورات کافی صادر خواهیم کرد ، ضمناً جریان را بمجلس اطلاع دهید که ملت آگاه شود و در جواب یادداشت ها علت را از سفرای دول مهاجم سؤال کنید و با آنها بگوئید » که ما حاضریم بادر نظر مگر فتن بیطرفی کامل و منافع تام و تمام ایران بطریق تسویه مسالمت آمیز باین جریانات خاتمه



## ایران در حال دفاع

« دهیم، دولت ما که سر جنک با کسی نداشت و ندارد و هر چه هم  
« که آنها راجع به فعالیت آلمانها ارما خواستند، با وجود اعلام  
« بیطرفی در احوال عده زیادی از آنها اقدام کردیم پس این  
« طرز رفتار یعنی چه؟! بهر حال بروید و مواظب باشید، مخصوصاً  
« علت را از سفرای دو دولت جو یا ننوید»  
« ما هم اجباراً تا موقع مقتضی از کشور خود دفاع خواهیم  
کرده»

## جنک برای حفظ شرافت

آرتش ایران با آن وضعی که در روزهای سوم اسفند سالهای سلطنت  
رضاشاه جلوه گری میکرد، بوجود آمده بود. این آرتش بسار نوبنیان و دارای  
تجهیزات مدرن و متوسط، ذخائر خوار و بار آن کم ولی از حیث ذخیره اسلحه  
و مهمات بسیار زیاد، از طرف دیگر از حیث اهمیت و کمیت و تشکیلات در ردیف  
آرتشهای درجه دوم دنیا، و تعداد نفرات زیر پرچم آن بالغ بر صد هزار نفر و  
در صورت مقتضی امکان داشت که با احضار طبقات مختلف احتیاط و ذخیره تعداد  
آنها به چهار صد الی پانصد هزار نفر رسانید. رضا شاه سالیانه با صرف نصف کل  
بودجه ایران، توانست که يك آرتش متناسب با وضع دنیا تشکیل دهد و با اجباری  
کردن خدمت نظام جوانان کشور را بقانون نظامی آشنا سازد، و ضمناً همه ساله  
با خرید اسلحه، های زیاد از کشورهای مختلف اروپا از قبیل: آلمان - انگلیس -  
چکسلواکی - سوئد و غیره مهمات کافی ذخیره و آماده نماید.  
علاوه بر این با ایجاد يك سلسله کارخانجات اسلحه سازی آرتش خود را  
از خریداری و صدور پاره ای مهمات سبک از خارجه بی نیاز سازد.  
( این کارخانجات که آخرین سبتم کارخانجات دنیا، نوبشمار مبرفت  
در تمام مدت جنک پیوسته برای روسها اسلحه ساخته و بنوبه خود در راه پیروزی  
منفقین دل مهمی را بازی کرده اند.)

هر گاه ناامنی و هرج و مرج بیسابقه و بینظیر زمان قبل از کودتای ۱۲۹۹  
را با امنیت سالهای بعد مقایسه کنیم، آنگاه معلوم خواهد شد که آرتش پهلوی  
در داخله کشور چه خدمات گرانبھائی را برای ملت ایران انجام داده است،

## قسمت پنجم

اهمیت این موضوع بیشتر آشکار میشود در صورتیکه جهالت و نادانی مطلق توده را در ابتدای سلطنت پهلوی نیز در نظر گرفته باشیم.

بهر حال پیدایش يك ارتش وظيفه بصورت فوق برای کشور گننام ایران يك موهبت و يك آبرو و حیثیت فوق العاده همراه داشت و قدرت این ارتش بجائی رسیده بود که در صورت تعرض یا حملاتی از جانب همسایگان شرقی و غربی و با بغرض ترکیه سرعت مقابله و فاتح و پیروز گردد.

مسئله هیچگاه نمیتوان عظمت و اهمیت ارتشهای نظیر ارتش آلمان را با آن تجهیزات و ظهور با ارتش کوچک کشور ما مقایسه نمود زیرا همانطوریکه مشاهده گردید رعب قوای نظامی آلمان بعدی بوده که کشورهای نظیر لهستان و فرانسه و حتی انگلیس در ابتدای جنگ جهانگیر دوم بکلی روحیه خود را از دست داده و بسرعت و بیابسی شکست خورده و تسلیم میگرددند.

انگلیس ها و شورویها نیز عین تجهیزات و وسائل جدیدالاختراع آلمان نازی را بغوریت تقلید و بتدریج خود را برای دفاع و حمله مهیا گردانیدند.

با این کیفیت حمله و ور شدن کشور کوچکی نظیر ایران آهم بطور ناگهانی و با اصول هافلنگیری برای ایندو دولت کار فوق العاده و مشکلی نبود ولی در مقابل برای آرش و ملت ایران که متفقاً بانهایت جدیت و مراقبت و حسن نیت کامل نسبت به همسایگان شمالی و جنوبی در راه بیطرفی مطلق سیر میکردند، جز حیرت و تعجب چیز دیگری همراه نداشت.

انگر این حمله از يك سمت یعنی یا از طرف شمال یا جنوب صورت میگرفت با وجود آنهمه قدرت و توانائی دشمن احتمال قوی میرفت که مهاجم خسته و فرسوده از کرده خود پشیمان گردد. اما دفعتاً مهین ما از چهار طرف بشکل ناروا و ناپسندی در محاصره و مورد هجوم دو دشمن قوی پنجه قرار گرفت.

با وجود این همین ارتش کوچک و ناچیز در مدت کوتاهی که بادشمن ظهور تماس پیدا کرده بود بایک روحیه بسیار عالی و غیر قابل وصفی جانبازی و فداکاری بخرج داد.

گرچه ارتش ایران از حیث تعداد نفرات و تجهیزات بادشمن قابل مقایسه نبود ولی در مقابل از حیث شجاعت و استقامت و سرسختی بدرجات از دشمن برتری داشت.

## ایران در حال دفاع

بازکر مطالب فوق باید اینطور قضایا را خلاصه نموده که: ارتش ایران مجبور گردید برای حفظ حیثیت و شرافت مبین خود در برابر دشمن قد علم کرده و دفاع نماید.



پس از اینک نخست وزیر ایران از نزد شاه مرخص میشود بوسیله تلفن رئیس مجلس شورای ملی را مطلع و امر بهایوی را برای تشکیل جلسه فوق العاده مجلس ابلاغ و جلسه در ساعت سه و نیم بعد از ظهر همانروز (سوم شهریور) تشکیل و نطق مهم زیر از طرف نخست وزیر ایراد میگردد:

«مطالبی که حالا با اطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده است، آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنا میشود به جلسات بعد موکول دارند.»

«بطوری که از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بر فرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بی طرفی ایران را اعلام نموده با تمام وسایل و قوای خود دقتاً این سیاست را پیروی و بموجب امر گذاشته و باینک رویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر - رایت و قایح جنگ و در صیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه تا حال بهیچ وجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچ یک از آنها متوجه نگردیده» صحیح است»

«با این حال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آن دولت بادولت شوروی هر دو»  
«متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکمده آلمانی در ایران نمودند و در نوبت در تاریخ ۲۸ تیر ماه و تاریخ ۲۵ مرداد بر طبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکری به هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده از آلمانیهای مقیم ایران را در خواست میکردند، در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی و چه طبق تذکراتی تاریخ ۷ مرداد و تاریخ ۱۰ سپتامبر کتبا اطمینانهای کافی در مراقبتهای دولت ایران نسبت بر رفتار کلیه اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطراتی از عده محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاستن عده معتنایی از شماره آلمانها بعمل آمده و بجهت

## قسمت پنجم

افتاد و مراتب مکرر چه در طهران و چه در مسکو و لندن به مقامات دولت انگلستان و شوروی خاطر نشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریه آنها کوشش گردید، متأسفانه با تمام این مجامعات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دودوات همسایه خود نمود در عوض حسن تفاهم و تسویه مسألهت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیسی ساعت چهار صبح امروز به منزل نخست وزیر رفته هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخش داده شده بود و در این یادداشتها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارشهاییکه رسیده معلوم شد نیروی نظامی آنها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور در منزل نخست وزیر مشغول مذاکره بودند، از مرزهای ایران تجاوز نموده، نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به بیابان شهرهای بازو بی دفاع پرداخته و قوای زیاد از جلفا بست تبریز اعزام شده اند.

در خوزستان قوای انگلیس بندر شامور و خرمشهر حمله برده کشتیهای مارا غافلگیر نموده صدمه زده اند و نیروی هوایی آن دولت باهواز بمباریخته، همچنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه فوق العاده زیاد از طرف قصر شیرین سمت کرمانشاه در حرکت میباشد قوای متجاوز در هر نقطه که با نیروی ارتش شاهنشاهی مواجه شده اند طبعاً تصادم و زد و خوردی هم رخ داده است دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات فوریت مذاکرات و اقدامات بعمل آورده و منتظر نتیجه میباشد که البته بحضور مجلس شورای ملی خواهد رسانید.

چون فعلاً منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش صعبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد.

دولت لازم میدانند بعموم افراد کشور توصیه و تاکید نمایند که در این موقع باید کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده با نهایت آرامش رفتار نمایند.

همانطوریکه از نطق نخست وزیر آشکار میگردد، دولت بفوریت

## ایران در حال دفاع

بنمایندگان شوروی و انگلیس در تهران مراجع و دلیل اصلی تجاوزات راجویا میشود و در ضمن مذاکرات، مراتب حسن نیت کامل شاه و ملت را گوشزد نموده و مخصوصاً یادآور میشود که در صورت موجود بودن اختلافات یا تعاضاهای، همچنانکه در گذشته دولت ایران کمال مساعدت را داشته است اکنون نیز حاضر است با طریق تسویه مسالمت آمیز باین پیش آمدهای ناگوار که از طرف دو دولت فوق شروع شده خاتمه دهد.

دولت ایران در حالیکه منتظر پاسخ پیام خود میباشد با تلاش فوق العاده‌ای به تنظیم امور پیچیده و مشکلات فراوانیکه دفتراً دچار آن گردیده بود می‌پردازد، و علاوه از طرف ستاد ارتش اوامری بکلیه لشکرهای مدافع برای جلوگیری از تعرض نیروهای مهاجم صادر و ابلاغ و در مرکز هم بامر شاه یک ستاد جنگی مرکب از افسران ارشد و سران لشکرها تشکیل شده و مامور میگردد که اوضاع ارتش را باحوادث و پیش آمدهای نوین تطبیق و هم آهنگ نماید.

طبق گزارشات واصله دشمن از هر سو نیروی ایران را غافلگیر و بسرعت پیشرفت مینماید و در مقابل، واحدهای ارتش شاهنشاهی در حدود امکان دلیرانه مقاومت نموده و یک سرسختی بیسابقه از خود نشان میدهد بطوریکه پس از ۲۴ ساعت نیروی مدافع ایران هجوم دشمن را در باختر متوقف و در جنوب و شمال هم بدرجه مقاومت و استقامت خود می‌افزاید.

این استقامت که بتدریج از پیشرفت دشمن جلوگیری میگردد در محافل لندن منعکس و خبرگزاری انگلیس بنوبه خود آنرا منتشر و بگوش هالمیان رسانیده. چیزی که سربازان ایران را در رنج و عذاب گذارده بود و در گزارشات واصله از لشکرها بخوبی نمایان میگردد (فقدان مهمات و ساز و برگ جنگی و نداشتن وسائل کافی برای دفاع بوده است) باوجود اینکه همه‌گونه مهمات ضروری در مرکز موجود و همچنین قبلاً نیز بمقدار کافی اسلحه و ساز و برگ ارسال شده بود با این وصف بهیچوجه معلوم نمیشود که بچه علت و سائل دفاعی نیروی شجاع ایران، این وضع تاسف آور را دارا میگردد!!!

این خود یک معنائیست که مسلماً باید در اسرع اوقات در اطراف آن بازرسی دقیق شده و مقصرین و خائنین را باشد مجازات محکوم و تنبیه نمود. عصر روز سه‌شنبه چهارم شهریور یک اعلامیه بشرح زیر از طرف ستاد ارتش منتشر میشود.

## قسمت پنجم

### اعلامیه شماره يك ستاد ارتش

۱. ساعت ۴ روز سوم شهریور ماه ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار داده‌اند.

۲. شهرهای تبریز - اردبیل - رضائیه - خوی - اهر - میاندوآب - ماکو - مهاباد - بناب - رشت - حسن‌کیاده - میانه - اهواز - بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع تلفات وارده نسبت بردهم غیر نظامی زیاد و نسبت به نظامیان با وجودیکه سربازخانه‌ها را بمباران میکنند معذک تلفات نسبتاً کم بوده است.

یک هوایمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیراندازی توپخانه ضدهوایی سرنگون شده است.

۳. نیروی موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا - مرند و پلدشت - ماکو - قره‌ضیا - الدین و نیروی موتوریزه و مکانیزه ارتش انگلیس در محور خانقین - قصر شیرین و نفتخانه - گیلان و آبادان و بندر شاهپور و قصر شیخ بتعرض پرداخته‌اند.

۴. نیروی دریایی شوروی در کرانه‌های دریای خزر و نیروی دریایی انگلیس در بندر شاهپور و خرمشهر تعرض نموده‌اند.

۵. واحدهای ارتش شاهنشاهی که غافلگیر شده‌اند در حدود امکان باستقبال آنها هتافتند و در نقاط مختلف با آنها تماس حاصل نموده و بدفاع پرداختند و در ارباب زره‌بوش مهاجم در منطقه باختر مورد اصابت و از کار افتاده و پیشروی مهاجمین را متوقف ساختند.

۶. در کلیه مناطق شمالی و باختری روحیه اهالی بسیار خوب و هموماً تقاضای دخول در صفوف ارتش و حرکت به جبهه را برای دفاع از میهن مینمایند.



دولت ایران پس از مذاکره<sup>۱</sup> نمایندگان دولتین شوروی و انگلیس دچار بحران شدیدی گردیده و خود را قادر بداره کردن امور نمی‌بیند و بهمین جهت در تاریخ پنجم شهریور مستعفی و تشکیل کابینه با آقای محمدعلی فروغی معول میگردد.

## ایران در حال دفاع

### علل استغای کابینه منصور

نگارنده پس از تحقیقات بسیار بالاخره علت استغای کابینه منصور را بدو صورت زیر استنباط نمودم :

۱ - بلافاصله پس از هجوم ، دولت ایران ، با مرضا شاه مأمور میگردد که از نمایندگان دو دولت علت اصلی این حمله و تعرض غیر مترقبه و ناروا را سؤال کند و در صورتیکه تقاضای درخواستهائی را جمع بواجب کرداری راه ایران دارند تمایل مثبت شاه را ابراز نماید .

سفرای کبار در جواب اظهار میدارند که : ما حاضر نیستیم با دولتی وارد مذاکره شویم که در گذشته بدرخواستهای مشروع ما (۱) راجع باخراج آلمانیها اقدام مقتضی بعمل نیاورده است!!

باید باین نکته توجه کرد که مهاجمین از خدا میخواستند که هرچه زود تر روزه دو خاک ایران پایان یابد تا بغوریت مهمات و خواربار از راه ایران بروسیه برسانند و مسکورا از خطر قضی نجات دهند ، ولی ضمنا نیز مراقب بودند که از پیشآمد های مساعد حد اکثر استفاده را نموده و از همان ابتدا مخالفت خود را با رضاشاه یا بیم و امید آشکار کنند !! این بود که پهلوئی هم برای نجات خود وهم نجات کشورش منتهب بفروغی میگردد .

۲ - نظر دیگر که بیشتر مقرون بحقیقت میباشد ، آنستکه ، نمایندگان متفقین پس از کسب دستور از دول منبوه خود اظهار میدارند که : ما در صورتی وارد مذاکره خواهیم شد که دولت ایران قبلا دستور صادر نماید که ارتش مدافع کشور مقاومت را ترك و اسلحه را بزمین گذارند !! ؟ و چون قبول این امر مهم در آن موقع از طرف رضا شاه و دولت مشکل بنظر میرسد ، بدینواسطه منصور مستعفی و تشکیل دولت جدید با آقای فروغی محول میگردد .

دلیلی که دولت منصور با موافقت شاه برای عدم قبول آن تقاضا اقامه میشود ، عبارت از این بوده است که : برای ارتش مدافع يك کشور شایسته بیست و بلکه مخالف شتون حیثیت و آبروی ایرانی است که با این سادگی و باین سرعت هنوز دفاعی از خود نکرده تسلیم دشمن گردد !!

با قبول این درخواست دیگران و همچنین تاریخ آینده راجع با روش معنوی زمامداران ایرانی چه خواهند گفت ؟ و آیا اگر با این عجله روی موافقت آن هم به

## قسمت پنجم

این طرز نشان داده شود ، خلی بیحقیقت بیطرفی گذشته ایران وارد نخواهد گردید ؟

هرگاه جواب این دو قسمت مثبت باشد پس صلاح ملک در آن بوده است که دولت منصور عمل کرده و قبول این تقاضا را بدولت دیگری واگذار نموده است و در این صورت باید طرز مکر و درجه تشعیش آقای منصور را تعیین تقدیس نمود .

## کابینه فروغی

آقای فروغی کابینه جدید را در ساعت هشت بعد از ظهر بحضور همایونی و صبح پنج شنبه ششم شهریور به مجلس شورای ملی معرفی کردند .  
آقای رفی نخست وزیر - آقای آهی وزیر دادگستری - آقای سهیلی وزیر خارجه - آقای علم وزیر پست و تلگراف - آقای مرآت وزیر فرهنگ - آقای دکتر سجادی وزیر راه - آقای جواد عامری وزیر کشور - آقای سرلشکر نجفوان کنیل وزارت جنگ - آقای وثیقی کنیل وزارت بازرگانی - آقای گلشائیان کنیل وزارت دارایی - آقای رام رئیس اداره کل کشاورزی - آقای نخست وزیر پس از معرفی هیئت دولت جدید بمجلس چنین بیان کردند :

« خاطر آقایان نمایندگان محترم الزیات مقدس اعلی حضرت همایون شاهنشاهی در باره اصلاحات و پیشرفت امور کشور کاملاً مستحضر است و در ضمن برنامه های که مکرراً از طرف دولتهای وقت پیشنهاد مجلس شورای ملی شده است ، ملاحظه فرموده اند . بنا بر این دولت امروزی بو رود در برنامه تفصیلی حاجتی نمی بینند و همین قدر باستحضار خاطر نمایندگان محترم میرسانند که با نهایت جدیت در حفظ مناسبات حسنه با دول خارجه مخصوصاً همسایگان و تنقیب اصلاحاتیکه منظور نظر اعلی حضرت همایونی و عموم ملت است خواهد کوشید ؛

« ضمناً خاطر آقایان محترم را مستحضر میسازد که چون بطوریکه خوبی « آگاهی دارند دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و میباشد ، برای اینکه این نیت تزلزل ناپذیر کاملاً بر جهانیان مکشوف گردد در این موقع که از جانب دولت « شوروی و انگلستان اقدام به عملیاتی شده که ممکن است موجب



## ایران در حال دفاع

« اختلال صلح و سلامت گردد، دولت به پیروی نبات صلح  
خواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بقوای نظام کشور  
« اکنون دستور میدهد که از هر گونه عملیات مقاومتی خودداری  
نمایند تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت مرتفع شود و  
« آسایش عمومی حاصل گردد. »

## ارزش يك امریه ایران در جنگ

برای ارتش ایران مقدور بود که با وجود فقدان وسائل و عده کافی در  
مقابل ارتشهای مهاجم تا مدتی دلیرانه مقاومت نماید و در نتیجه پیشرفت سریع  
دشمن را بتأخیر اندازد .

برای نیروی ایران امکان داشت که در آن ایام بس هولناک و بحرانی  
کوابنکه متحمل ضررهای بیشمار میگردد، رور گارتیره متفقین را تیره تر ساخته و  
مانع گردد که دو ارتش روس و انگلیس بیکدیگر متصل شوند .  
برای دولت ایران آسان بود که بمرکز کشور (اصفهان) انتقال یافته و با  
مسلح کردن ایلات و عشایر شجاع دائما مزاحم مهاجمین گردد و بالاخره خطوط  
ارتباطی حیاتی دشمنان را در خطر بیاندازد .

برای نیروی ایران اشکالی نداشت که در ضمن عقب نشینی در جنوب بنوبه خود  
تلافی هجوم شبانه انگلیسها را بنیروی دریائی ما ننوده، و مراکز نفت آبادان را بکلی  
نابود سازد .

این عملیات خصمانه و ممکن الحصول از طرف ارتش صلح جوی ایران  
بوقوع نیوست بلکه با کمال حسن نیت برای اینکه معلوم شود همسایگان ما  
از ما چه میخواهند؟ دستور ترك مقاومت را بنیروی خود صادر نمود !!

ارزش ترك مقاومت نیروی ایران برای متفقین از حد خارج میباشد و  
برعکس زیان روحی آن برای ارتش کشور ما فوق العاده بوده است، زیرا اگر  
فرض شود که دولت ایران این دستور را صادر نمیکرد و نیروی ایران همچنان  
بدفاع و جلوگیری از تعرض دشمن ادامه میداد و یادرحال عقب نشینی کلیه وسائل  
ارتباطی مخصوصا خطوط راه آهن و پلها را منهدم و ویران مینمود در اینصورت  
بدون شك بزرگترین ضربت را بدشمن وارد آورده و مانع عظیمی برای متفقین  
ایجاد میکرد .